

بحث در این بود که اگر در صدق حیات یا مرگ در موارد حیات نباتی شک کنیم، مقتضای اصول چیست؟ در حال بررسی احکام مختلف در ابواب متفاوت فقه بودیم که از کتاب طهارت چند مثال بیان کردیم.

مساله دیگر: قضای نمازها و روزه‌های فوت شده پدر بر پسر بزرگ در زمان مرگ واجب است. اگر پسر بزرگ شخص، در زمان حیات نباتی بمیرد، مکلف به قضای نماز کیست؟ همان پسر بزرگ که در بعد از حیات نباتی پسر بزرگ بوده است و در همان زمان حیات نباتی از دنیا رفته است یا پسر بعدی که در زمان زوال حیات نباتی پسر بزرگ محسوب می‌شود؟ در اینجا علم اجمالی منجز نیست و مثل «واجدی المنی فی الثوب المشترك» است چون شرط تنجز علم اجمالی این است که مکلف به تکلیف معلوم به اجمال فرد واحد باشد و برائت در حق هر دو نفر جاری است.

مساله دیگر: تصرفات وکیل فقط در زمان حیات موکل نافذ است و بعد از مرگ موکل، وکالت از باطل می‌شود و کالت عرفاً متقوم به حیات است، اگر حیات نباتی مرگ باشد وکالت باطل است و تصرفات وکیل نافذ نیست و اگر مرگ نباشد وکالت باقی است. استصحاب بقای وکالت هم جاری نیست چون شرط استصحاب احراز بقای موضوع در زمان شک است و با شک در حیات یعنی در بقای موضوع وکالت شک داریم (چون گفتیم عرفاً حیات مقوم وکالت است) و استصحاب جاری نخواهد بود. بنابراین معاملات وکیل محکوم به فساد است چون اصل اولی در معاملات فساد است.

مساله دیگر بحث نکاح و زوجیت است که مسائل متعددی در آن مطرح است. مثلاً:

یک) جواز استمتاع فقط در زمان حیات زوجین جایز است و تمتع به میت جایز نیست. استصحاب جواز استمتاع جاری نیست چون موضوع جواز استمتاع، زوجیت است و زوجیت متقوم به حیات است و با مجرد موت زوجیت زائل می‌شود و شک در حیات یعنی شک در بقای موضوع و شرط استصحاب احراز بقای موضوع است. استصحاب زوجیت هم جاری نیست چون شبهه مفهومیه زوجیت است. با جاری نشدن استصحاب، مرجع اصل برائت است و عموم «و

الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ» مرجع نیست چون عام مخصص متصل دارد و محل بحث ما شبهه مفهومی مخصص متصل است که اجمال مخصص به عام نیز سرایت می‌کند و تمسک به آن جایز نیست.

دو) عده وفات برای زن که با مرگ شوهر واجب است، زمان شروع عده زمان ابتلاء به حیات نباتی است یا زمان پایان حیات نباتی؟ خود عده احکام متعددی دارد مثل عدم جواز خروج از منزل، حرمت زینت، عدم جواز ازدواج و ... در مثل خروج از منزل یا زینت کردن، استصحاب جواز خروج جاری است و موضوع جواز خروج یا زینت از نظر عرف همین شخص زن است که قبلاً خروج بر او جایز بود و الان هم باقی است و استصحاب اثبات می‌کند خروج برای او جایز است و بر فرض عدم جریان استصحاب در شبهات حکمیه، اصل برائت از حرمت خروج یا حرمت زینت کردن جاری است. البته این در صورتی است که علم اجمالی در تدریجیات برای او وجود نداشته باشد و گرنه علم اجمالی منجز است مثل زنی که می‌داند یا امروز حائض است یا فردا، در اینجا هم اگر زن می‌داند یا الان محکوم به احکام عده است یا در آینده چنین احکامی خواهد داشت باید احتیاط کند و این علم اجمالی منجز است نتیجه اینکه با وجود این علم اجمالی جایی برای رجوع به استصحاب یا برائت باقی نمی‌ماند و این علم اجمالی همیشه وجود دارد مگر اینکه زن احتمال بدهد قبل از زوال حیات نباتی شوهر، خودش می‌میرد که در این صورت علم اجمالی منجز نیست و مرجع همان استصحاب یا اصل برائت است.

در مساله جواز ازدواج با مرگ شوهر و انقضای عده ازدواج برای او جایز است آیا با گذشتن زمان عده، از شروع حیات نباتی، ازدواج جایز است؟ استصحاب حرمت ازدواج جاری نیست چون موضوع حرمت ازدواج، عنوان «ذات بعل» است که متقوم به حیات زوج است و چون حیات زوج معلوم نیست، استصحاب حرمت ازدواج هم در حق او جاری نیست چون بقای موضوع محرز نیست.

از طرف دیگر تمسک به اطلاقات جواز ازدواج جایز نیست چون تقیید به «ذات بعل» نبودن مثل قید متصل است که اجمال مفهومی قید به عام هم سرایت کرده و تمسک به آن جایز نیست و از آنجا که اصل اولی در معاملات فساد است، ازدواج در این زمان محکوم به فساد خواهد بود.

سه) ازدواج با خواهر زنی که به حیات نباتی مبتلا شده است در زمان حیات نباتی صحیح است؟

چهار) اگر مرد چهار زن داشته باشد چنانچه یکی به حیات نباتی مبتلا شود، ازدواج با زن دیگر برای او جایز

است؟